

آذری اسفراینی، شاعری عارف

*پروفسور سید حسن امین



درآمد

جای خوش وقتی ست که به تازگی دیوان اشعار یکی دیگر از شاعران عارف و عارفان شاعر ایران به همت یک تن از چهره‌های خدمتگزار خراسان یعنی استاد احمد شاهد احیا شده است و این میراث ارزشمند مکتوب نیاکان ما پس از قرن‌ها امروز به طور کامل و جامع، به دست دوستان ادب دوست می‌رسد. مقاله‌ی حاضر به مناسبت انتشار این دیوان فاخر، شامل چند بخش است که به شرح زیر از نظر خوانندگان فرهیخته می‌گذرد.

شرح حال شیخ آذری

شیخ فخرالدین (یا نورالدین) حمزه بن علی ملک (یا عبدالملک) اسفراینی متخلص به آذری (۷۸۴ - ۸۶۶ ق ۱۳۸۲-۱۴۶۲ م) از شاعران عارف و عارفان شاعر قرن نهم هجری ست که نسب او به احمد بن محمد زمجی هاشمی مروزی می‌رسد. اگرچه علی الظاهر لفظ زمجی، منسوب به «زمج» از محال بیهق است اما وصف مروزی صراحت دارد که این سادات در آغاز مقیم مرو بوده‌اند و بعدها به بیهق افتاده‌اند. پس از جهت این

انتساب جغرافیایی، دو احتمال می‌رود:

الف- زمجی (منسوب به زمج بیهق) از آن باب باشد که متأخران این طایفه ساکن بیهق بوده‌اند و متقدمان ایشان از مرو آمده‌اند. فلذا اینان را زمجی مروزی گفته‌اند.
ب. زمج دیگری در ناحیه‌ی مرو بوده باشد و تعبیر زمجی ربطی به زمج بیهق نداشته باشد.
هرچه باشد، آذری در خاندانی از سادات بیهق سبزوار که جزء رؤسای سربداران بودند، در ۷۸۴ ق در اسفراین زاده شد و از این

جهت، در متون تاریخی و رجالی، نسبت او را گاهی اسفراینی و گاهی بیهقی و گاهی طوسی ضبط کرده‌اند. وجه تسمیه‌ی او به «آذری» نیز به تعبیر خود وی از آن روست که چون ولادتش در ماه آذر اتفاق افتاده، «آذری» تخلص کرده است.
آذری در آغاز شاعری، به رسم زمان ستایشگر امیران محلی و بعد مداح میرزا شاهرخ (حکومت ۸۰۷-۸۵۰ ق)، پسر تیمور لنگ بود و در پی معارضه و رقابت با خواجه عبدالقادر عودی شاعر، ملک الشعرا دربار

در پیوند با بهمن‌نامه، گفتنی است که به‌نظم در آوردن تاریخ ایران در زبان فارسی، سنتی کهن است. برای ارائه‌ی نمونه‌هایی از تواریخ منظوم ایران، متون پارسی ذیل به اختصار تام در این جا، به سلسله مراتب تاریخی، تعرفه می‌شود:

۱- حکیم ابوالقاسم فردوسی، در شاهنامه پس از بخش‌های اساطیری و پهلوانی، بخشی تاریخی دارد و به همین جهت، مهم‌ترین متن ادبی همه‌ی اعصار برای ایرانیان است؛ هرچند مضامین آن اعتبار تاریخی - به مفهوم «تاریخ واقعی» و مستند - ندارد و باید آن را از مقوله‌ی «تاریخ یادبودی» شمرد. فردوسی شاهنامه را هنگامی به نظم در آورد که تاریخ ایران در حال فراموش شدن و فتور بود. فردوسی با ارائه‌ی این اثر بزرگ، نه تنها فخر و فرنیاکان و روحیه‌ی قهرمانی و خوی جوانمردی یعنی عالی‌ترین خصال و صفات انسان را در بین اقوام ایرانی احیا کرد بلکه زبان پارسی دری را نیز در ایران رواج داد.

۲- شاعری ناشناخته در عصر سلطان سنجر سلجوقی (۵۱۱-۵۵۲ ق ۱۱۱۷-۱۱۵۷ م) فتوحات سلاطین سلجوقی را در قالب مثنوی بلندی با عنوان سنجرنامه به نظم در آورده است.

۳- شاهنشاهنامه‌ی مجدالدین محمد باییزی نسوی که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری در شرح فتوحات سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه به تقلید از فردوسی در بحر تقارب ساخته است.

۴- شمس‌الدین کاشانی، شهنامه‌ی غازانی را به دستور غازان خان مغول (وفات ۷۰۳ ق) در تاریخ جهان براساس جامع‌التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله به نظم در آورد. شاعر در این منظومه، به اقتضای وزن، از غازان به «غزان» تعبیر کرده و گفته است:

چو شد نظم تاریخ ترکان تمام

غزان خواست کز نظم یابد نظام

۵- حمدالله مستوفی (از مورخان عصر ایلخانی و از همکاران خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی)، تاریخ منظومی با عنوان ظفرنامه را در پنجاه هزار بیت در ۷۳۵ ق به رشته‌ی نظم در آورده است که شامل تاریخ اسلامی از ظهور پیامبر تا زمان حیات حمدالله مستوفی می‌شود و شاعر مورخ آن را به غیاث‌الدین محمد وزیر (فرزند خواجه رشیدالدین فضل‌الله) اتحاف کرده است. مستوفی ظفرنامه‌ی خود را به افتخای شاهنامه‌ی فردوسی ساخته است، چنان‌که در همان ابتدای کلام گفته است:

ظفرنامه کن نام این نامه را

بدین تازه کن رسم شهنامه را

۶- شهنشاهنامه‌ی احمد تبریزی که به دستور سلطان ابوسعید بهادرخان به تقلید از شاهنامه‌ی فردوسی در بحر تقارب در تاریخ عالم از زمان یافت بن نوح تا مرگ سلطان ابوسعید ساخته شده است.

۷- ربیعی پوشنگی، تاریخ پادشاهان آل‌کرت را با عنوان کرت‌نامه بر وزن شاهنامه‌ی فردوسی به نظم در آورد.

۸- سام‌نامه‌ی سیفی اثر سیف‌الدین محمد بن یعقوب هروی در شرح دلیری‌های جمال‌الدین محمد سام (سردار ملک فخرالدین از

شاهرخ شد. آذری به اقتضای روحیه‌ی عارفانه چندی بعد، از مدح امیران سرپیچید و به عرفان روی آورد. او در طریقت، در حلقه‌ی مریدان شیخ محیی‌الدین طوسی غزالی (وفات ۸۳۰ ق ۱۴۲۷ م) درآمد و ۵ سال در خدمت آن مرشد کامل، به تحصیل علوم و رسوم و تکمیل نفس شوم توأم با ریاضت و خدمت مشغول شد. همراه او به سفر حج رفت و در بازگشت در پی درگذشت شیخ محیی‌الدین در حلب (۸۳۰ ق ۱۴۲۷ م)، به شاه نعمت‌الله ولی (وفات ۸۳۴ ق) سر سپرد و از او اجازه‌ی ارشاد و خرقة‌ی تبرک گرفت و دو نوبت پیاده به زیارت خانه‌ی خدا به مکه رفت و در همان زمان که در مکه بود، کتاب سعی الصفا را نوشت. آذری در مسیر مراجعت از سفر حج، عازم هندوستان شد. در آن جا به دربار سلطان احمد شاه بهمنی (۸۲۵-۸۲۸ ق ۱۴۲۲-۱۴۳۵ م) پادشاه دکن راه پیدا کرد و ملک‌الشعرا‌ی دربار او گردید.

آذری در این سمت به دستور این پادشاه، در ۸۳۲ ق

کتاب بهمن‌نامه را در تاریخ پادشاهان بهمنی

سرود و آن را وسیله‌ی رخصت معاودت از

هند به اسفراین کرد. سلطان به قول

مؤلف تاریخ فرشته به او گفت: «مرا از

فوت سید محمد گیسو دراز، کلفتی

عظیم روی نموده و وصال تو رافع مواد

غم و الم است. میسند که به فراق تو

نیز مبتلا گردم.» ولی سرانجام، به

وساطت و شفاعت شاهزاده علاءالدین

(ولیعهد احمدشاه) به شرط اتمام

بهمن‌نامه، اجازه‌ی بازگشت به اسفراین

یافت و سی سال پایانی عمر خود را

هم چون سعدی در مسقط‌الرأس خود به

درس و وعظ گذرانید. تا آن‌که در ۸۲ سالگی وفات

کرد و در اسفراین به خاک سپرده شد.

بهمن‌نامه‌ی شیخ آذری

بهمن‌نامه، منظومه‌ی است به تقلید شاهنامه‌ی فردوسی، بهمن‌نامه‌ی ایرانشاه بن ابی‌الخیر و اسکندرنامه‌ی نظامی و در همان بحر (متقارب مثنی مقصور)، در تاریخ سلاطین بهمنی دکن. بهمنیه‌ی دکن، فرزندان و جانشینان علاءالدین حسن بهمن‌شاه (سلطنت ۷۴۸ تا ۷۵۹ ق) پادشاهان مسلمان هندوستان که از ۷۴۸ تا ۹۳۲ ق در منطقه‌ی دکن به استقلال حکومت می‌کردند، بودند. نظم این منظومه تا زمانی که آذری خود در دربار سلاطین بهمنی در دکن بود، به دوران سلطنت احمدشاه رسیده بود و آذری تعهد کرد که در بازگشت به خراسان آن را به اتمام رساند و ظاهراً تا دوران سلطنت علاءالدین همایون شاه (۸۶۲-۸۶۵ ق ۱۴۵۸-۱۴۱۶ م) به نظم آن ادامه داد و آن چه می‌سرود به دکن می‌فرستاد به گفته‌ی فرشته، پس از فوت آذری، چند شاعر دیگر یعنی ملا نظیری که نباید با نظیری نیشابوری اشتباه گرفته شود و ملا سامعی و شاعران دیگر این کتاب را تا انقراض سلسله‌ی بهمنی رسانیدند و از این روست که، به گفته‌ی فرشته، سبک سرایش این کتاب یک‌دست و یکسان نیست. فرشته نام این کتاب را در شمار منابع تاریخی خود یاد کرده است و برخی از ابیات آن را در بخش مربوط به شاهان سلسله‌ی بهمنی (مقاله‌ی سوم) در کتاب خود نقل کرده است.

آل کرت) در محاصره‌ی هرات توسط لشکر اولجاتیو در قرن هشتم سروده شده است.

۹- شرف‌الدین علی یزدی متخلص به شرف (وفات ۸۵۸ق) مؤلف ظفرنامه‌ی تیموری و سراینده‌ی فتح‌نامه‌ی صاحب قرانی، تاریخ دنیای شرق را در دو جلد به نظم در آورده است.

۱۰- شاعری نامی تخلص، در قرن نهم هجری تاریخ سلسله‌ی شبانکاره را با عنوان دفتر دلگشا به نظم در آورده است.

۱۱- شهاب‌الدین عبدالله بیانی کرمانی مشتهر به مروارید (وفات ۹۲۲ق) از شاعران عصر صفوی، تاریخ ایران را براساس اطلاعات موجود در آن زمان از آغاز تا عصر خویش، در منظومه‌ی در قالب مثنوی ریخته است.

۱۲- عبدالله هاتفی خرجردی (وفات ۹۳۷ق) که خواهرزاده‌ی عبدالرحمان جامی است، تاریخ فتوحات تیمور را به نام ظفرنامه‌ی تیمور = تمرنامه برای سلطان حسین بایقرا و سپس کشورگشایی شاه اسماعیل را به نام اسماعیل نامه سروده و از جمله گفته است:

ز خون دلبران و گرد سپاه

زمین گشت سرخ و هوا شد سیاه

تبرزین به خون بلان گشت غرق

چو تاج خروسان جنگی به فرق

۱۳- شاعری دیگر مثنوی حماسی بلندی با عنوان جام گیتی نما در تاریخ جهان از آدم و شیث و نوح گرفته تا حضرت محمد و دوران غیبت کبری در چهل هزار بیت ساخته است که یک بیت آن درباره‌ی ابوجهل چنین است:

به خنجر کنم سینه‌ی خویش، ریش

کشم خویشتن را به شمشیر خویش

۱۴- قاسم قاسمی گنابادی، در فتوحات

شاهرخ تیموری، شاهرخ‌نامه، در فتوحات

شاه اسماعیل و شاه‌طهماسب صفوی،

اسماعیل‌نامه و طهماسب‌نامه ساخته است

که قسمت اول آن در ۱۰۲ صفحه در ۱۲۸۷ق

در هند چاپ شده است. نمونه‌ی شعر او این است:

اگر گفت فردوسی نامدار

حکایات جمعی ز دین برکنار

من امروز استاد فردوسی‌ام

چه حاجت که گردون نهد کرسی‌ام

۱۵- میرزا زکی مشهدی مثنوی در نجف را پس از

فرار به نجف در فتنه‌ی افغانان و سقوط اصفهان ساخته است.

۱۶- جنگ‌نامه‌ی قشم و جردن‌نامه اثر شاعری ناشناخته در فتوحات امام قلی‌خان والی فارس که در عهد شاه‌عباس صفوی جزیره‌ی هرمز و جزیره‌ی قشم و دیگر جزایر ایرانی را از اشغال پرتغالی‌ها بیرون آورد.

۱۷- شاهنامه‌ی نادری، در تاریخ اواخر صفویه و فتوحات نادرشاه افشار، اثر ملامحمدعلی طوسی مشهور به فردوسی ثانی که به اهتمام احمد سهیلی در ۱۳۳۹ چاپ شده است.

۱۸- سیدصادق تفرشی که معلم و استاد رضاقلی میرزا (پسر نادرشاه افشار) بوده است، نیز تاریخ ایران پس از اسلام را به نظم

در آورده ولی تمام نکرده است.

۱۹- سیدعلی جهرمی متخلص به فیاض، از شاعران عصر قاجار، تاریخ جهان را از آغاز خلقت تا عصر خویش به فارسی به نظم در آورده است.

۲۰- فتحعلی‌خان ملک‌الشعرای صبا (وفات ۱۲۳۸ق) هم شهنشاه‌نامه را برای فتحعلی‌شاه ساخته و تاریخ را با حماسه آمیخته است.

۲۱- احمد وقار شیرازی (وفات ۱۲۹۸ق) - فرزند وصال شیرازی - بخشی از تاریخ ایران را به نظم در آورده است که به سعی محمود طاووسی چاپ شده است.

۲۲- ظفرنامه‌ی ناصری اثر محمدحسین میرزا امیرالشعرای نادری، چاپ ۱۳۴۶

۲۳- ادیب پیشاوری (۱۲۶۰-۱۳۴۹ق) قیصرنامه را در تاریخ جنگ جهانی اول ساخته است.

۲۴- عبدالحسین بهار کرمانی (۱۲۷۰-۱۳۱۴ق) تاریخ‌نامه‌ی باستان را ساخت.

۲۵- رجبعلی تجلی (وفات دی‌ماه ۱۳۲۷) کنگاشنامه (تاریخ ایران از سفر اول ناصرالدین‌شاه به اروپا تا برکناری محمدعلی‌شاه) را سرود.

۲۶- حبیب‌الله نوبخت (وفات ۱۳۶۵) به دستور عبدالحسین تیمورتاش تاریخ ایران را از جایی که فردوسی تمام کرده است، آغاز کرده و تا عصر رضاشاه رسانده است. دو مجلد از این کتاب با عنوان «شاهنشاهنامه‌ی پهلوی» در ۱۳۰۵ در تهران در قطع رحلی به چاپ رسید و مابقی گویا ناتمام ماند.

۲۷- در عصر محمدرضاشاه پهلوی هم تعدادی

منظومه‌های مدح‌گونه به‌عنوان تاریخ عصر

پهلوی به رشته‌ی نظم درآمد، از جمله:

«شاهنامه‌ی پهلوی» اثر مرتضی هوشنگ

ایل‌یگی (هما)، در ۱۵۵ صفحه به قطع رقعی،

چاپ ۱۳۴۴، «شاهنامه‌ی پهلوی»، اثر بانو

یمینی عظیمی، چاپ ۱۳۴۷، «شاهنامه‌ی

ارتش پهلوی» اثر عبدالغفار غفاری، چاپ

۱۳۷۷ و «شاهنشاهنامه»، اثر ابوالحسن

هادیان (آتشکده)، چاپ ۱۳۵۱.

۲۸- سیدمجتبی کیوان اصفهانی (۱۲۹۱-

۱۳۷۰) تاریخ ایران باستان را با عنوان گاهنامه

براساس تاریخ باستان پیرنیا، به رشته‌ی نظم

کشیده است.

۲۹- رحیم معینی کرمانشاهی (ولادت ۱۳۰۱، کرمانشاه)

تاریخ مفصل ایران را از اواخر ساسانیان و حمله‌ی اعراب به ایران تا آخرین سال‌های سلطنت اشرف افغان به نظم در آورده و در هفت مجلد با عنوان شاهکار به چاپ رسانده است.

۳۰- ایران‌نامه: «تاریخ منظوم ایران» اثر سید حسن امین.

علاوه بر این تاریخ‌های منظوم، منظومه‌های متعددی نیز به نام اسکندرنامه، حمله‌ی حیدری، مختارنامه، ابومسلم‌نامه و صدها فتح‌نامه وجود دارد که از بحث ما خارج‌اند. هم‌چنین پارسی‌گویان شبه‌قاره هم تاریخ‌های منظوم متعددی ساخته‌اند مانند شاهنامه‌ی غالب دهلوی.

مرحوم آیت‌الله

استاد سیدعلینقی امین شرح

حال کاملی از مؤلف این کتاب شریف

را با عنوان الشیخ المعقق العارف

نورالدین حمزه بن عبدالملک آذری طوسی

بیهقی به استناد کتاب‌های معتبری هم چون

مجالس المومنین، ریاض السیاحه، از سعدی

تا جامی، ریاض العارفین و غیره در تاریخ

سبزوار نوشته و در صفحه ۲۶۹ تاریخ

خود از کتاب جواهر الاسرار هم

یاد کرده است.

پنجم - طغرای همایون

سخن پایانی

صاحب این قلم با ادای احترام به بزرگانی که پیش از این شرح احوال شیخ آذری اسفراینی بیهقی طوسی را نوشته‌اند و در رأس آنها محمدقاسم فرشته در تاریخ فرشته، قاضی نورالله شوشتری در مجالس المومنین و زنده‌یاد استاد سید علینقی امین در تاریخ سبزواری، این مقدمه را به پایان می‌برم و بار دیگر به نوبه‌ی خود به دوست صاحب همت، شاعر هنرمند و نسخه‌شناس و سکه‌شناس ارجمند استاد احمد شاهد تبریک و شادباش می‌گویم که در طول ده ساله‌ی اخیر علاوه بر انتشار منظم یک فصلنامه‌ی ادبی و تاریخی و پژوهشی، چندین کتاب خطی را نیز احیا کرده‌اند که یکی از ارزنده‌ترین آنها دیوان عارف ربانی و شاعر عرفانی شیخ آذری اسفراینی است.

*سرپرست علمی دایره‌ی معارف ایران شناسی

استاد پیشین کرسی حقوق دانشگاه گلاسگو کالیدونیا

در حلقه‌ی مریدان شیخ

محبی‌الدین طوسی غزالی (وفات ۸۳۰ ق ۱۴۲۷ م) در آمد و ۵ سال در خدمت آن مرشد کامل، به تحصیل علوم و رسوم و تکمیل نفس شوم توأم با ریاضت و خدمت مشغول شد. همراه او به سفر حج رفت و در بازگشت در پی درگذشت شیخ محبی‌الدین در حلب (۸۳۰ ق ۱۴۲۷ م)، به شاه نعمت‌الله ولی (وفات ۸۳۴ ق) سر سپرد و از او اجازه‌ی ارشاد و خرقة‌ی تبرک گرفت و دو نوبت پیاده به زیارت خانه‌ی خدا به مکه رفت و در همان زمان که در مکه بود، کتاب سعی الصفا را نوشت.

دیگر آثار و تألیفات شیخ آذری

اول - مثنوی عرفانی مرآت که نام کامل آن عجائب الغرائب است و آن منظومه‌ی بلندی در قالب مثنوی شامل چند باب است: باب اول، الطامه الکبری، در مراتب عالم علوی و سفلی و آرای عالمان و اهل توحید در تحقیق ایجاد عالم، مراتب موجودات، حکمت وجود آدمی، مناسبت آفاق با انفس و مطالب دیگری از این دست؛ باب دوم، غرائب الدنیا، در شگفتی‌های جهان از جمادات و گیاهان و جانداران و جز این‌ها؛ باب سوم، عجائب الاعلی، در عجایبی که در عوالم علوی و آسمان است. دوم - سعی الصفا، در تاریخ مکه و آداب و مناسک حج.

سوم - دیوان اشعار آذری که شامل قصاید و غزلیات و ترجیع‌بند و ترکیب‌بند و چند مثنوی است. قصاید او بیش‌تر در مدح و منقبت خاندان رسول اکرم است و غزلیات او رنگ عرفانی دارد.

شعر شیخ آذری ساده و بی‌تکلف است و از پیچیدگی‌هایی که در آثار شاعران دوره‌ی بعد دیده می‌شود، خالی است. وی از شیوه‌ی سعدی و حافظ و امیرخسرو دهلوی پیروی کرده و مضامین و تشبیهات و تعبیراتی که در غزلیات این شاعران آمده است، در اشعار او فراوان دیده می‌شود.

چهارم - کتاب جواهرالاسرار (ساخته‌ی ۸۴۰ ق) در تفسیر و تأویل اسماء الحسنی الهی و معانی حروف مقطعه‌ی قرآنی که گزیده‌ی بی‌بی از آن در ۱۳۰۳ ق در هامش اشعه‌اللمعات جامی چاپ شده بود ولی چند سال پیش متن کامل آن به همت استاد شاهد در شمار انتشارات «نشر سنبله» در ۱۳۸۶ با مقدمه‌ی این بنده به چاپ رسید. متن کامل آن کتاب، در ۲۷۴ صفحه‌ی چاپی که شامل چهار باب است:

باب یکم - اسرار - کلام‌الله مجید و حروف مقطعه‌ی قرآنیه. باب دوم شامل چندین فصل است، از جمله، فصل اول در بیان اسرار کلام منثور مشایخ و فصل دوم در بیان اسرار کلام منظوم مشایخ. باب چهارم در ده فصل مشتمل بر اشکال کلام شعرا در قصاید و غزلیات و مقطعات و مثنویات و رباعیات.

مرحوم آیت‌الله استاد سید علینقی امین شرح حال کاملی از مؤلف این کتاب شریف را با عنوان **الشیخ المحقق العارف نورالدین حمزه بن عبدالملک آذری طوسی بیهقی** به استناد کتاب‌های معتبری همچون مجالس المومنین، ریاض السیاحه، از سعدی تا جامی، ریاض العارفین و غیره در تاریخ سبزواری نوشته و در صفحه ۲۶۹ تاریخ خود از کتاب جواهرالاسرار هم یاد کرده است. هم‌چنین استاد ما در علوم عقلی حضرت استاد حسن‌زاده آملی در بعضی از تقریرات و تحریرات خود مکرر از این کتاب شریف به عظمت یاد کرده‌اند. موضوع کتاب که تفسیر و شرح اسماء الهی است از دیرباز توسط عارفان و حکیمان مسلمان محل بحث و نظر واقع شده است و شاید مهم‌ترین کتاب در این زمینه کتاب شرح الاسماء تألیف حکیم حاج ملاهادی سبزواری باشد.

منابع

- ۱- آذر بیگدلی، آتشکده، چاپ سید جعفر شهیدی، تهران، ۱۳۳۷
- ۲- امین، سید علینقی امین، تاریخ سبزواری، تهران، دایره‌ی معارف ایران شناسی، ۱۳۸۱
- ۳- دولت‌شاه سمرقندی، تذکره الشعراء، چاپ محمد رضانی، تهران، ۱۳۶۶
- ۴- روملو، حسن بیگ، احسن التوایخ، چاپ عبدالحسین نوایی، تهران، ۱۳۴۶
- ۵- شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المومنین، تهران، ۱۳۵۴
- ۶- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات، تهران، ۱۳۶۴
- ۷- فرشته، محمدقاسم هندوشاه، تاریخ فرشته، نول کشور، ۱۸۶۴ م
- ۸- مروجی، حسن، تذکره‌ی سخنوران بیهقی، سبزواری، انتشارات امیدمهر، ۱۳۸۸
- ۹- هدایت، رضاقلی‌خان، ریاض العارفین، چاپ مهر علی گرگانی، تهران، ۱۳۴۴